

## هنر کتاب آرایه در عصر مغول

نوشته: جمشید کیانفر<sup>۱</sup>

**چکیده:** پس از استقرار حکومت مغولان در ایران، بدلیل نیاز فراوانی که به هنرمندان و صنعتگران برای تهیه سلاح و زره داشتند و همچنین وجود وزرای با تدبیر ایرانی و تشویق و حمایت آنان از هنرمندان، شاهد پیشرفت چشمگیر هنر در این دوره هستیم. یکی از هنرهای عصر ایلخانان مغول که در این مقاله طرح و بررسی شده است هنر کتاب آرایه است که یکی از هنرهای ظریف ایرانی به شمار می‌رود. و البته وقتی سخن از هنر کتاب آرایه در میان است باید اجزاء و عناصر پدیدآورنده یک اثر را در نظر گرفت مانند خط، نقاشی، تذهیب، و جلد.

مغولان، پس از کشور گشایی‌های چنگیز، بر سرزمین وسیعی از جهان آن روزگار، از ایران تا چین، حکمروایی یافتند. این سرزمین میان فرزندان چنگیز تقسیم شد که هر یک در قلمرو پهنوار خود مستقل بودند. نخستین ایلخان مغولی ایران، هلاکو خان، با درایت و راهنمایی خواجه نصیر طوسی، در ۶۵۶ هـ. ق بغداد را فتح کرد و آن را به عنوان پایتخت زمستانی خود برگزید.

ایلخانان مغول به شیوه دوران بیابان‌گردی و چادرنشینی خود، حتی وقتی به قدرت رسیدند، بیلاق و قشلاق خود را حفظ کردند و تابستان‌ها در تبریز و زمستان‌ها در بغداد بسر می‌بردند. با استقرار حکومت مغولان در ایران و وجود وزرای با تدبیری همچون خواجه نصیر طوسی، جوینی و... شهرها رونق و آبادانی گذشته را به تدریج به دست آوردند و امنیت در شهرها و روستاها برقرار گردید. با استقرار امنیت، کشاورزان به کشتزارها و صنعتگران به کارهای خود بازگشتند. برخی از شهرها رونق گذشته را بازیافتند و برخی چون ری و نیشابور از ادبار مغول قد راست نکردند.

۱. کارشناس ارشد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مغولان به مردم سرزمین‌های فتح شده نیازمند بودند. به ویژه به هنرمندان و صنعتگران و در میان آنها بیش از حد به فلزکاران؛ زیرا فلزکاران سلاح و زره برای آنان می‌ساختند و دستاورد اینان را از گذشته، از طریق راه ابریشم، می‌شناختند. با حمایت و تشویق وزرای کاردان و با فرهنگ که رسوخ کامل بر ایلخانان داشتند هنرمندان و صنعتگران از همه نقاط ایران به دربار آنان در بغداد، تبریز، مراغه و سلطانیه روی آوردند. آنان به ویژه در سلطانیه اعجاز کردند و شهری بنا نهادند و آثار برجسته‌ای از خود به یادگار گذاشتند<sup>۱</sup>. گرچه شهر پس از مرگ بانی آن به تدریج رو به ویرانی نهاد و با تاراج تیمور و بی‌توجهی سلاطین بعدی رونق روز نخست را بازیافت و رو به ویرانی نهاد، اما امروزه بنای مهمی از آثار هنرمندان، با نام گنبد سلطانیه همچنان بر ویرانه‌های شهر استوار و پابرجا باقی مانده و حکایت از توجه ایلخانان به هنر و هنرمندان دارد.

از هنرهای عصر ایلخانان مغول در ایران می‌توان به هنر کتاب‌سازی که از هنرهای ظریف ایرانی است، توجه کرد. هنری که منحصر به رواج علم نیست و به عبارتی نشان‌دهنده ظرافت و کمال ذوق و قریحه و علاقه مردم ایران به کتاب است. اگر با مطالعه کتاب *قوة فهم آدمی* اقناع می‌شود، با دیدن مناظر زیبای نقاشی و نقش و نگار و آرایش کتاب، حظ بصری نیز بر آن افزوده می‌شود و نشاط و شغف دلپذیری در انسان بوجود می‌آورد<sup>۲</sup>.

ایلخانان مغول گرچه در ایران بیگانه بودند، به صنایع ملی ایران علاقه و افری پیدا کردند و به توصیه و حمایت وزیرانشان، نقاشان را تشویق کردند که به خلق آثار هنری در زمینه کتاب‌سازی بپردازند و بزرگترین کتاب حماسی ایرانیان یعنی شاهنامه فردوسی را مصور سازند. از این رو این اثر عظیم، سده‌های بی‌شماری سرچشمه الهام هنرمندان و نقاشان شد و یکی از آثار ادبی مشهور ایرانی است که نسخه‌های متعدد مصور و مذهب آن امروزه زینت‌بخش مشهورترین کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان است<sup>۳</sup>.

در عصر مغول هنر خط و تذهیب به اوج کمال و ترقی خود رسید و زمینه‌ساز پیشرفت و توسعه آن در ادوار تاریخی بعد از خود شد. هنرمندان این دوره از ترکیب خط و تزئین، نوعی طرح تزئینی جدیدی پدیدآوردند که نمونه آن را می‌توان در قرآنی به خط عبداللّه بن احمد مراغه‌ای (کتابت شوال ۷۳۸ ق) مشاهده کرد. اوراق کتابت شده و به جا مانده از این کتاب

۱. تاریخ هنر اسلامی، ص ۹۵

۲. کتابشناسی کتابهای خطی، ص الف (مقدمه)

۳. راهنمای صنایع ایران، ص ۵۰

آسمانی حاکی از استعداد و هنرمندی عجیب تذهیب‌کاران ایرانی است.<sup>۱</sup> تذهیب کاری در این عصر منحصر به کتاب آسمانی قرآن مجید نبود؛ بلکه به تدریج در نسخه‌های دیگر هم به کار رفت. در نسخه‌های مصوّر، گاهی جداگانه و گاهی در دور تصاویر از تذهیب استفاده می‌شد. نمونه آن کتاب مقامات حریری (کتابت ۷۳۴ ق) است که امروزه در گنجینه کتابخانه ملی اتریش در وین محفوظ است.<sup>۲</sup>

وقتی سخن از هنر کتاب‌آرایی در میان است باید اجزا و عناصر پدیدآورنده یک اثر را در نظر گرفت که این عناصر شامل: خط، نقاشی، تذهیب و جلد است که به شرح هر یک جداگانه می‌پردازیم:

کاغذ: پیش از آنکه صنعت کاغذسازی از چین به ایران برسد، از سنگ و گل پخته، کتان، پوست آهو و دیگر چهارپایان برای کتابت استفاده می‌شد. از سده سوم هجری، این صنعت از چین به ماوراءالنهر (سمرقند) و از آن طریق به داخل ایران رسید و به تدریج در شهرهای خراسان و دیگر ایالات ایران به ساخت آن اقدام کردند.<sup>۳</sup> سپس از ایران به کشورهای مجاور و پس از آن به مصر و کشورهای اروپایی راه یافت.

در عصر مغولان و در شهرهای تحت سلطه آنان همچون شیراز، اصفهان، تبریز، بغداد، سمرقند و بخارا کارگاه‌های ساخت کاغذ وجود داشت که غالباً کاغذهای ساخته شده به نام همان شهر شهرت داشت. از آن میان کاغذهای سمرقندی، بخارایی، اصفهانی و بغدادی از اشتها ویژه‌ای برخوردارند.

غازان‌خان در جنوب تبریز شهری نو برپا کرد با مدرسه‌های دینی و کتابخانه و بیمارستان‌ها که به شنب‌غازان مشهور بود. همزمان با او وزیر مورخ و دانشمندش، رشیدالدین فضل‌الله، در مشرق تبریز شهری بنا کرد که صدها خانه و دکان و کاروانسرا و بیمارستان و کارخانه کاغذسازی برای آسایش طالبان علم برآورده بود و طلاب و خوشنویسان و نقاشان تصویرگر کتاب را با گرمی در آن شهر می‌پذیرفتند و در هر دو محله سلطانی و وزیرش کارگاه کاغذسازی وجود داشت.<sup>۴</sup> اضافه بر کاغذ ساخته شده در داخل قلمرو ایلخانان مغول، از دیگر قلمرو مغولان هم کاغذ وارد ایران می‌شد که مشهورترین آنها خان بالغ و ختایی بود. از نظر ظرافت و مرغوبیت، که

۱. راهنمای صنایع ص ۸۱ و ۸۲؛ کتابشناسی کتابهای خطی ص ب (مقدمه)

۲. همان، ص ۸۲      ۳. کتابشناسی کتابهای خطی، ص ۱۹

۴. تاریخ هنر اسلامی، ص ۹۷، راهنمای صنایع اسلامی، ص ۴۸

نامش از نام پایتخت مغولان چین یعنی شهر پکن امروزی برگرفته شده بود، بهترین کاغذ ساخته شده در عصر مغولان بود.

استفاده از کاغذ خان بالغ به قدری رواج داشت که امروزه نفیس‌ترین آثار به جا مانده کتابت، بر روی این کاغذ است. پس از آن کاغذهایی همچون ختایی، سمرقندی و دولت‌آبادی بود که به تقلید از کاغذ خان بالغ و کاغذ سمرقندی در دولت‌آباد اصفهان ساخته می‌شد و کوس برابری با آنان می‌زد.

**خط:** پس از حمله اعراب و تسلط آنها، شهرهای ایران یکی پس از دیگری خط عربی را اقتباس کردند و یا بر آنان تحمیل شد و زبان فارسی کنونی با بعضی کلمات عربی آمیخته شد و زبانی به وجود آمد که به زبان فارسی دری معروف و همان زبان ادبی و رسمی فارسی گشت.<sup>۱</sup> خط عربی دو اسلوب عمده دارد، یکی اسلوب رسمی با حروف زاویه‌دار (کوفی) و دیگری اسلوب شکسته با حروف منحنی و قوس‌دار (نسخ). هر دو اسلوب از سده اول هجری میان مسلمانان شایع بود.<sup>۲</sup> اسلوب کوفی برای کتابت قرآن و کتیبه‌ها و اسلوب نسخ برای نوشتن سایر مطالب به کار می‌رفت.<sup>۳</sup>

خط تزینی در ایران تقریباً تا سده چهارم منحصر به قلم کوفی بود که آن را برای حک روی چوب، فلز و نوشتن روی ظروف سفالی و لعابی و منسوجات و گچ‌بری ابنیه به کار می‌بردند. خطاطان<sup>۴</sup> ایرانی نوعی خط را ابداع کردند که از اسلوب کوفی مشتق می‌شد که در آن مدها واضح‌تر از جرهاست؛ یعنی قسمت‌های عمودی از قسمت‌های افقی روشن‌تر و واضح‌تر است. از سده چهارم از دو قلم کوفی و نسخ به تدریج شش قلم دیگر به وجود آمد که به اقلام سته معروف شدند (ثلث، محقق، ریحان، نسخ جدید، توقیع و رقاع) که هر یک برای کتابت ویژه‌ای به کار می‌رفت.<sup>۵</sup>

تا حدود اواخر سده هفتم هجری، مهم‌ترین اقلام متداول در ایران همان اقلام سته یا شش‌گانه بود؛ ولی هیچ یک از این اقلام برای کتابت و تندنویسی مناسب نبود. تا اینکه ذوق ایرانی از قلم رقاع و توقیع، قلم جدیدی وضع کرد که به قلم تعلیق موسوم شد و برای نوشتن کتابهای فارسی به کار رفت. در این قلم، حروف از راست به چپ تمایل به پایین دارند و نزدیک

۱. ایرانشهر، ج ۱، ص ۷۶۳ ۲. راهنمای صنایع اسلامی، ص ۷۷

۳. ایرانشهر، ج ۱، ص ۷۶۵

۴. کتابشناسی کتابهای خطی، ص ۲۱

۵. کتابشناسی کتابهای خطی، ص ۲۱

یک قرن بعد همان قلم به صورت شکسته برای کتابت مکاتیب و فرامین اختصاص داده شد و به قلم شکسته تعلیق معروف گردید.

در حدود نیمه دوم سده هشتم، یعنی اواخر عصر ایلخانان مغول، از ترکیب قلم تعلیق با قلم نسخ، قلم نستعلیق به وجود آمد که معروف‌ترین و زیباترین قلم اسلامی است.<sup>۱</sup> در عصر ایلخانان مغول قلم رایج برای کتابت متون و موضوع‌های دینی، قلم نسخ بوده و قرآن‌های کتابت شده که امروزه در کتابخانه‌ها و موزه‌ها، چه در داخل و چه در خارج، زینت بخش گنجینه‌هاست همگی با این قلم کتابت شده‌اند.

اما در مکاتبات و نوشته‌های دیوانی به تدریج قلم تعلیق جای اقلام دیگر را گرفت بر اثر تندنویسی احکام و فرامین و دیوان‌ها به قلم شکسته تعلیق انجامید؛ تا جایی که در آغاز دوره تیموری با همه زیبایی، این قلم به دشواری خواننده می‌شد.

آثار به جا مانده، همچون قرآن کتابت شده توسط عبداللہ بن احمد مراغه‌ای موجود در مجموعه چستریتی، مقامات حریری مورخ ۷۳۴ هـ.ق. محفوظ در کتابخانه ملی اتریش در وین، منافع الحیوان که به فرمان غازان در ۶۹۹ هـ.ق در مراغه کتابت شده و شاهنامه نفیس کتابت شده در ۷۲۰ هـ.ق در تبریز و کتابهای به جامانده از جامع‌التواریخ، همگی به قلم نسخ جدید است.<sup>۲</sup> تذهیب: پس از کتابت، برای تزئین نسخه استفاده می‌شد و عبارت بود از نقش‌های منظم مهندسی و جز آن که با خطوط مشکی و آب طلا و یا رنگ‌های دیگر، که در آن کم به کار رفته، تزئین شده باشد.

تذهیب در نسخ خطی گاه به معنای تعریف ارائه شده تلقی می‌شد و گاه به معنی هر نوع تزئینی بود که در نسخه به کار می‌رفت که در این حالت، فواتر از نقاشی بود و شامل ترصیع، تشعیر، تحریر، حل‌کاری، افشان‌گری، کمند، سرلوح، پیشانی یا سرفصل، ترنج (نیمه ترنج، سرترنج، لچکی) و شمشه می‌شد.

استفاده از تذهیب در کتابت، از سده‌های سوم به بعد رایج و متداول شد و در عصر سلجوقیان در سرفصل‌ها و در حاشیه کتاب به ویژه در کتابت قرآن برای نشان دادن حزب و... به کار می‌رفت.

در عصر مغول، ذوق هنرمندان با پشتیبانی هردوستان رو به تکامل نهاد و همپای خط،

۱. کتابشناسی کتابهای خطی، ص ۲۱؛ راهنمای صنایع اسلامی، ص ۸۰؛ ایران‌شهر، ص ۶۶

۲. تاریخ هنر اسلامی، ص ۹۸؛ سیر تاریخ نقاشی ایرانی، ص ۹۳-۹۵

تزیین نیز به اوج عصر خود رسید و گاه خط و تزیین با هم ترکیب شده و اشکال جدیدی را به وجود آوردند که در نوع خود شاهکار اشکال تزیینی بودند.

در تذهیب عصر مغول ترکیب‌های هندسی با به‌کاربردن رنگ‌های مختلف و متضادی که در زمینه به‌کار رفته، جلوه و ویژه‌ای پیدا کرده بود. رنگ‌ها معمولاً طلایی و آبی قرمز - در اصطلاح زر و لاجورد و شنگرف - بود که این ترکیب رنگ، به ویژه طلایی و آبی، همیشه مورد توجه تذهیب‌کاران ایرانی بود.<sup>۱</sup>

در عصر مغول به‌کاربردن رنگ‌های متعدد رواج یافت و تأثیر شایانی در تکامل تذهیب‌کار ایرانی به‌جا گذاشت. استفاده از رنگ‌های شفاف از قبیل قرمز، آبی فیروزه‌ای، سبز و سفید روی زمینه طلایی از ویژگی‌های عصر مغولی در تذهیب است. تذهیب در آغاز ویژه قرآن بود، اما در عصر مغول منحصر به کتاب قرآن نبود و به تدریج در نسخه‌های مصور دیگر به‌کار رفت و همپای آن در رشته‌های دیگر هنری نیز مورد استفاده قرار گرفت. خط و تذهیب در آرایش سفال و ظروف و یا در کاشی لعابی یا در محراب‌ها و رواق مساجد و دیگر ابنیه به‌کار گرفته شد<sup>۲</sup>؛ تا آنجا که اصطلاح سبک مغولی در کار تذهیب هنرمندان ایرانی مشهور گشت.

نقاشی: پس از اسلام و تا قبل از حکومت مغولان، در ایران نقاشی چندان رایج و متداول نبود و بیشتر اختصاص به کشیدن اشکال حیوانات یا خطوط اسلیمی و گل و بته داشت. البته این سخن منافی با نبوغ هنری ایرانیان در نقاشی نیست. قدیمی‌ترین نسخه به دست آمده از عصر مغول، که دارای نقاشی‌های زیبایی است، ترجمه کتاب منافع الحیوان ابن بختیشوع است که در حال حاضر در کتابخانه مورگان در نیویورک محفوظ است. نسخه به فرمان غازان خان در ۶۹۹ ق. در مراغه کتابت شده و موضوع آن درباره خلق و خوی جانوران و خواص محصولاتی است که از آنها به دست می‌آید. در این کتاب، تاریخ طبیعی با افسانه‌های کهن در هم آمیخته شده و خواننده آن مطالب شگفت‌انگیزی به دست می‌آورد همچون مطلب «آهوان شیفته موسیقی اند و از مارها متنفر، چنان که با ایشان تا دم بازپسین پیکار می‌کنند»<sup>۳</sup>.

کتاب شامل ۹۴ تصویر است که با اسلوب مکتب عراق که، مدت‌ها در عصر مغول رواج داشته، ترسیم شده است. در بعضی از تصویرهای این کتاب، رنگ‌های روشن به شیوه کهن بغدادی پرداخته شده ولی اکثر تصویرها، به ویژه آنهایی که مناظر طبیعی را نشان می‌دهد، با

۲. تاریخ هنر اسلامی، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۱. راهنمای صنایع اسلامی؛ ص ۸۱

۳. تاریخ هنر اسلامی، ص ۹۷ و ۹۸.

اسلوبی ترسیم شده که بیانگر تأثیرپذیری از مکتبی غیر از مکتب عراق است؛ زیرا در آنها رنگ کم به کار رفته و از نقاشی‌های یک رنگ چینی سلسله سونگ و یوان حکایت می‌کند و بیانگر تأثیرپذیری از نقاشی چینی هاست<sup>۱</sup>.

در کتاب منافع‌الحيوان گاه تصویرها بسیار موزون و متناسب ترسیم شده که قطعاً نقاش می‌بایستی از روی جانور کشیده باشد. تصویر زرافه از این گونه تصاویر است که بسیار نیکو ترسیم شده است.

اما نسخی که پا را فراتر گذاشته و از اشکال حیوانی و طبیعت به تصاویر انسانی همت گماشته، نسخ شاهنامه فردوسی است که در این عصر بدان توجه فراوان شد. شاید ذوق ایرانی است که در هر بلا و مصیبتی و در هر تسلط بیگانه‌ای به شاهنامه روی می‌آورد و با احیا و کتابت آن می‌خواهد نبرد میان ایران و توران را که همیشه عنصر ایرانی در یک طرف به صورت قهرمان در مقابل بیگانه قد علم می‌کند زنده سازد. همچنان که در عصر تسلط اعراب، یعقوب لیث به جمع‌آوری کتابهای شاه نامک‌ها پرداخت و در عصر سامانیان نخستین قدم برای شاهنامه‌نویسی برداشته شد و بالاخره فردوسی در عصر سلطان محمود غزنوی تُرک آن را به فرجام آورد.

این بار نیز که ایرانیان بر تسلط مغول گردن نهاده‌اند بار دیگر شاهنامه از نو احیا می‌شود و کتابت شاهنامه در سرلوح کار کاتبان و نقاشان و تصویرسازان قرار می‌گیرد. به هر صورت در نسخ موجود از شاهنامه در این زمان تصاویر جالبی که بیانگر هنر ایرانی در عصر مغول است به جامانده، گرچه این تصاویر به دور از تأثیرپذیری هنر چینی نیست. هنری که با مانویان به چین رفت و با مغولان بار دیگر به ایران بازگشت.

تصاویر شاهنامه کتابت شده در ۷۲۰ ه.ق. در تبریز، که اینک به شاهنامه دموت مشهور است، اوراق آن زینت‌بخش مجموعه‌ها و موزه‌هاست، چه این نسخه ورق ورق شده و در حال حاضر اوراق آن پراکنده است.

تصاویر این کتاب کار چند نقاش ایرانی است. گاهی چنین به نظر می‌رسد که دو نقاش بر سر یک مینیاتور با هم کار کرده‌اند. تصاویر این نسخه ۵۵ عدد و از شاهکارهای بزرگ دنیا محسوب می‌شود<sup>۲</sup>.

در این شاهنامه عناصر ایرانی و چینی در کنار هم قرار گرفته و تصاویر آن بیش از هر سبک و

۱. سیر تاریخ نقاشی ایران، ص ۱۱۸؛ تاریخ هنر اسلامی، ص ۹۸؛ راهنمای صنایع اسلامی، ص ۴۸

۲. راهنمای صنایع اسلامی، ص ۵۱

هر دوره‌ای از نقاشی ایرانی، متناسب با محتوای حماسی آن است.<sup>۱</sup>

مناظر طبیعی تصاویر این نسخه که با رنگهای کم‌رنگ کشیده شده به سبک نقاشی چینی است در حالی که تصاویر اشخاص و البسه و عمارت که با رنگهای پررنگ کشیده شده به سبک ایرانی است. اسلوب بسیاری از تصاویر ویژه جنگ یادآور نقاشی‌های دیواری قبایل اویغور است. نقاشان در این نسخه در نمایاندن شدت، و حرارت مناظر جنگ و جدال موفقیت شایانی کسب کرده‌اند و اسلوب طراحی چینی و مغولی در بعضی از نقاشی‌های آن بیش از دیگر نقاشی‌ها به طور وضوح دیده می‌شود.<sup>۲</sup>

منظره خاک‌سپاری اسفندیار یکی از تصاویر زیبای این شاهنامه است که در آن پیکر پهلوان بر تخت روانی است که سوگواران به دور آن شیون و مویه‌کنان و اندوهگین قرار گرفته‌اند، گیسوها افشان و چهره‌هاشان از بسیاری هیجان، گرفته و اندوهگین است. مرغان پران یعنی سه قو و ابرهای پیچ در پیچ طوماروار نکته‌هایی است خاص هنر چین. فضای باقی‌مانده از تصویر اختصاص به گل‌های قراردادی دارد و زربفت روی تابوت در میان شاخ و برگ‌های پراکنده طرحی از آهو دارد که اوج اقتباس هنر ایرانی از چین است و یکی از موفق‌ترین تصاویر صحنه‌های رزم را در یک صفحه بزرگ نشان می‌دهد.<sup>۳</sup>

بدون شک این تصویر خالی از آمال و آرزوهای بر باد رفته ایرانی نیست؛ زیرا سوگ سیاوش و اسفندیار به منزله سوگ ایرانی است و نقاش در این تصویر تشییع اسفندیار را که زیرکانه به منزله تشییع پیکره هر ایرانی است به تصویر کشیده است. با اندک توجه به شاهنامه و داستان سوگ سیاوش و اسفندیار که سمبول پاکی طینت و سمبول قهرمانی است، مرگ او نیز مرگ نمادها و تشییع پیکره او تشییع پیکره سمبول‌هاست.

تصویرسازی و نقاشی منحصر به همین نسخه نمی‌شود. در شاهنامه دیگری که به سال ۷۴۲ ه. ق. در شیراز کتابت شده، شیوه و اسلوب نقاشی گونه دیگر است. در این نسخه رنگها بیشتر سرخ و زد است با نقش‌های روشن و خط‌های شکسته، سواران سرگرم‌بازی چوگان که از بازی‌های رایج و متداول ایرانی است و اسب‌های چوگان‌بازان بر زمینه‌ای سرخ در حال تاخت و تازند.<sup>۴</sup>

در تصاویر به جامانده از کتاب‌های عصر مغولی سبک چینی تأثیر دارد، اما نسخی نیز از

۲. راهنمای صنایع اسلامی، ص ۵۱

۴. تاریخ هنر اسلامی

۱. سیری در نقاشی ایرانی، ص ۹۵

۳. سیر نقاشی در ایران، ص ۱۰۲؛ تاریخ هنر اسلامی، ص ۹۸



شاهنامه یافت می‌شود که به دور از تأثیرپذیری بوده و عناصر چینی و مغولی به نمایش زره مغولی و چهره‌های گاه به گاه مغولی محدود می‌شود و در عوض وجوه اصل، ترکیب‌بندی، رنگ‌آمیزی، طرح پوشاک و شکل گیاهان از انواع چینی آن کاملاً متفاوت است. بدیهی است که در چنین مواردی، تصویرسازی برای حماسه‌ای ملی ایجاب می‌کند که قراردادهای کهن‌تر تا زمان‌های دراز تداوم پیدا کند<sup>۱</sup>. از این روست که تصاویر شاهنامه با اسلوب و سبک ویژه‌ای به صورت مکتبی خاص برای نگه‌داری سنت‌های ایرانی در می‌آید.

هنر نقاشی فقط اختصاص به شاهنامه ندارد و از شاهنامه پا فراتر گذاشته و به متون تاریخی هم رسیده است. نقاشی مکتب مغول در این عصر تا حد زیادی تحت تأثیر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مورخ که وزیر غازان‌خان و الجاتیو بود قرار گرفت. جامع‌التواریخ از مهمترین آثار خواجه رشیدالدین است و به دستور خواجه نسخ فارسی و عربی آن تهیه و به کتابخانه‌های قلمرو حکومت ایلخانی و حتی تا مصر فرستاده می‌شد. کتابها و آثار بی‌شماری در محله رَبع رشیدی به دستور خواجه استنساخ می‌شد و خود خواجه علاقه وافر به استنساخ کتاب داشت. چهار نسخه به جامانده از کتاب او تصاویر زیبایی در بردارد که بیانگر ذوق و هنر نقاشی ایرانی در عصر مغول است. برخی از این نقاشی‌ها در زمان خواجه رنگ‌آمیزی شده و برخی در عهد تیموریان. اسلوب نقاشی و طرح‌ریزی نقاشی‌هایی که در آن رنگ نقش عمده‌ای ندارد متأثر از نقاشی چینی است و اختلاطی از عناصر ایرانی و چینی به طور جالب توجهی در آن مشهود است. اشکال انسانی و رنگ‌ها و طرز نمایاندن آب از اسلوب ایرانی زمان ساسانی پیروی می‌کند در حالی که منظره طبیعی و شکل ماهی که به جای نهنگ کشیده شده تقلیدی از اسلوب چینی است<sup>۲</sup>.

نقاشی عصر مغول در هنر کتاب‌آرایی دارای ویژگی‌هایی است که تلفیقی از هنر ایرانی و چینی است. تعداد رنگ‌های به کار برده شده در نقاشی‌ها زیاد نیست ولی با تناسب و هماهنگی به هم آمیخته شده‌اند و از این حیث رنگ‌آمیزی این نقوش به رنگ‌آمیزی ظروف گلی لعاب‌داری شباهت دارد. نفوذ نقاشی چینی در نقش آب‌ها و درخت‌ها و کوه‌ها مشاهده می‌شود چه در این نقوش مناظر و مرایا با دقت بیشتری نمایان شده است. نخست مکتب نقاشی در بغداد بود و سپس از آنجا به دیگر شهرها منتقل شد و جنبه ایرانی بیشتری پیدا کرد. ابتدا به شهر تبریز رفت و بعد به شهرهای دیگر ایران از جمله هرات انتقال یافت که مکتب هرات در عصر تیموری مکتب ویژه‌ای شد. موضوع تصاویر منحصر به آثار ادبی و ملی گردید و خصوصاً در تزئین صفحه‌های

شاهنامه و کتاب‌های تاریخی بیش از کتاب‌های دیگر به کار برده شد. نقاشان ایرانی عصر مغول غالباً و عمدتاً برخلاف اصول مناظر و مرایا رفتار کرده‌اند.

به هر صورت آنچه که در هنر کتاب‌سازی به ویژه در نقاشی در عصر مغول پایه‌ریزی شد در عصر تیموری به اوج اشتها خود رسید و بعد صفویه و قاجاریه با اندک جرح و تعدیل میراث‌خوار دوره تیموری شدند.

صحافی: در هنر کتاب‌آرایی، کار خطاط و تذهیب‌کار و نقاش در تولید و فراهم‌آوری کتاب و نسخ خطی با عمل صحاف تکمیل و به پایان می‌رسید، زیرا مسئولیت حفظ اوراق کتاب از گزند زمانه و تهیه جلدی که شایسته محتوای آن باشد برعهده صحاف بود.

در آغاز کتابت نشانی از صحافی نبود؛ بلکه اوراق نوشته شده، به صورت ورق ورق در کنار هم قرار می‌گرفت و در دو طرف این اوراق قطعه چوبی یا سنگ صافی قرار داده به وسیله نخ یا پارچه‌ای می‌بستند. به مرور ایام سعی شد که اوراق نوشته شده در میان دو یا سه لایه کاغذ به هم چسبیده قرار گیرد ولی باز به صورت اوراق بود، بعدها برای محفوظ ماندن، به جای کاغذ از پوست حیوانات استفاده شد و نخستین جلد به صورت یک لایه چرم مورد استفاده قرار گرفت و چسبی هم به عطف کتاب زده و به چرم چسباندند.

با پیشرفت هنر کتاب‌آرایی در عصر مغولان امر صحافی نیز پیشرفت خوبی کرد و وراقی و صحافی از پیشه‌های ارجمند بود. در بسیاری از شهرها این حرفه چندان وسعت پیدا کرد که بازارهای مخصوص آنها موسوم به بازار وراقان و صحافان به وجود آمد. بسیاری از وراقان و صحافان خود مردانی ادیب و دانشمند و مؤلف کتاب بودند و از هنر نیز بی‌بهره نبودند و از خط خوش و ذوق تذهیب و صورتگری برخوردار بودند.<sup>۱</sup>

صحافی در دوره‌های بعد بدان حد پیشرفت کرد که شیوه‌های مختلف به وجود آمد و امروزه شیوه هر یک را می‌توان تعیین کرد که آن جلد در کدام شهر و یا مملکت ساخته شده است.<sup>۲</sup>

نخستین جلد‌های ساخته شده توسط وراقان و صحافان بسیار ساده و به دور از هر گونه آرایش و پیرایش بود. آنان از پوست حیوانات اهلی مانند اسب، گوسفند و غیره جلد تهیه می‌کردند و آن را روی ورقه‌های کاغذ، که با خمیر به هم چسبیده بودند (نخستین مقوا)، یا روی یک ورقه چوب نازک می‌کشیدند و جلد کتاب می‌ساختند.<sup>۳</sup> این جلد‌ها ساده و حتی رنگ آنها محدود به رنگ‌های طبیعی قهوه‌ای، زرد و سیاه بود، اما از عصر مغول کم‌کم نقوش ساده روی

۳. کتابشناسی کتابهای خطی، ص ۲۷

۲. ایران‌شهر، ج ۱، ص ۷۴۷

۱. ایران‌شهر، ج ۱، ص ۷۴۶

جلدها به کار برده شد که واقعاً باید آن را یک نوع نقّاری دانست که در روی چرم با قلم فولادی نقوش ساده و ابتدایی می‌انداختند. به تدریج این نقوش دقیق‌تر و اشکال آن از رسم‌های هندسی تشکیل شد و گاهی قسمت فرو رفته این نقوش را با رنگ سفید و سیاه مشخص می‌کردند و یا روی جلد را با نقوش ساده و سیاه و سفید مزین می‌کردند.

در اواخر عصر ایلخانان مغول نقوش با آب طلا جلوه کرد و برای تزیین بیشتر، چرم را تحت فشار قرار داده و طرحهایی بر روی آن با طلا یا بدون طلا می‌انداختند و تکامل یافته این روش همان است که در عصر تیموریان به اوج خود رسید و به جلد سوخت یا سوخته اشتها یافت.

## منابع

- ایران‌شهر، زیر نظر کمبسیون یونسکو در ایران، تهران: یونسکو، ۱۳۵۳
- بیانی، مهدی، *کتابشناسی کتابهای خطی؛ با اهتمام محبوی اردکانی*. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵
- بینیون، لورنس، *سیر تاریخ نقاشی ایران؛ با همکاری ج. و. س. ویلکینس [و] بازیل گری*: ترجمه محمد ایران منش. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- پرایس، کریستین، *تاریخ هنر اسلامی*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶
- دیماند، م. س.، *راهنمای صنایع اسلامی*. ترجمه عبدالله فریار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶.



تولد رستم. شاهنامه فردوسی؛ کتابت. اوائل سده هجدهم ه.ق.



زائران مکه در خیمه، مقامات حریری؛ مقام چهارم. کتابت ۵۷۳۸ ه.ق.



خراب شدن معبد فلسطین بدست سامسون، جامع التواریخ؛ کتابت. ۵۷۰۷.ق.



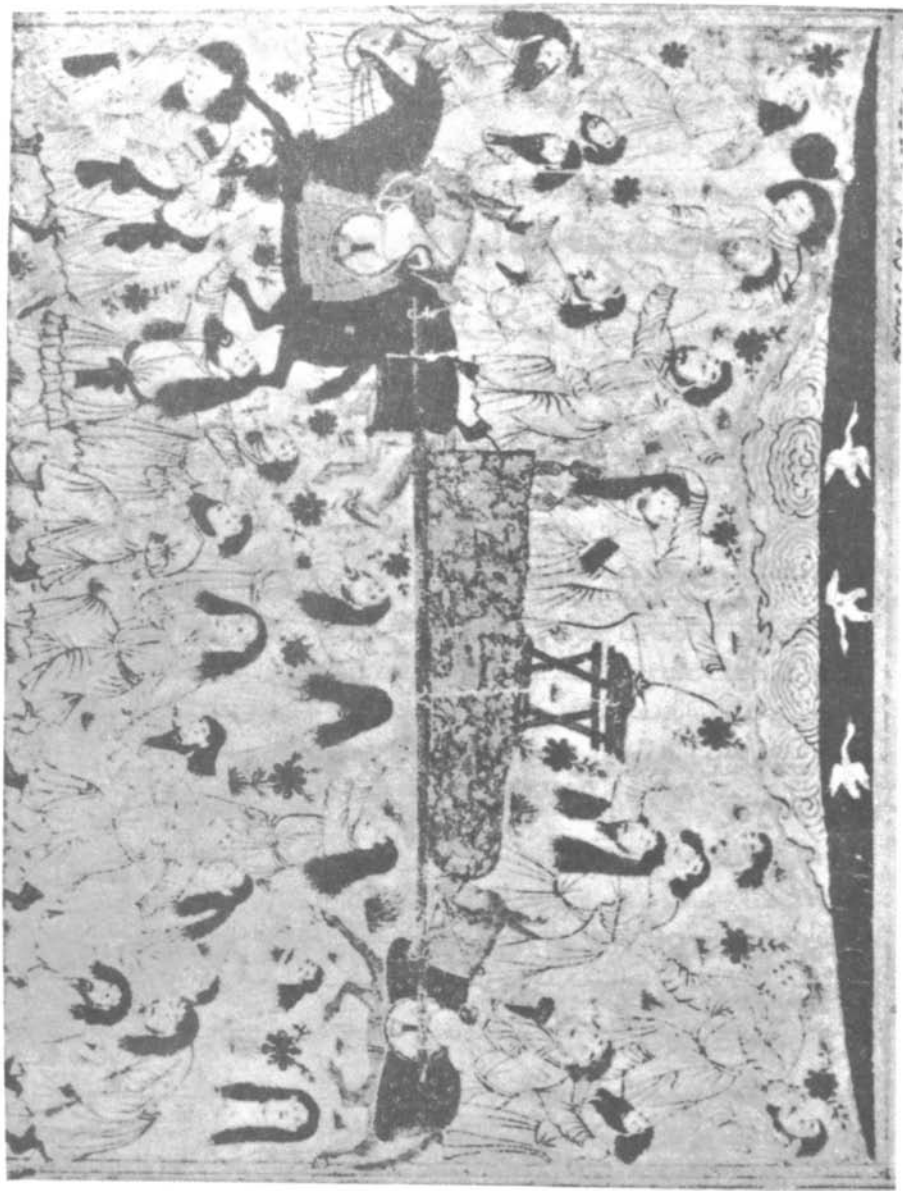
پیدا کردن خدمتکاران فرعون حضرت موسی را در رود. جامع التواریخ؛ کتابت. ۵۷۰۷.ق.



گوزن، عجایب المخلوقات قزوینی؛ کتابت. سده هشتم ه. ق.



دو خر، منافع الحيوان ابن یختیشوع؛ کتابت. اوائل سده هفتم ه. ق.



تشیع جنازه اسفندیار، شاهنامه دموت، کتابت، دوره مغول